

چکیده

هر ملت و هر آئینی برای انجام عبادت‌ها و فرائض کیش خود مکان مخصوصی دارد. برای مثال، یهودیان و مسیحیان در کنیسه و کلیسا جمع می‌شوند یا بت پرستان و آتش پرستان در بتکده و آتشکده. مسلمانان نیز از این امر سرپوشی نیستند و آن‌ها نیز در مسجد جمع می‌شوند. البته، نباید فراموش کرد که مسجد با معبد یا کلیسا بسیار متفاوت است؛ زیرا کلیسا و کنیسه فقط کارکردی عبادی دارند که بیک روز مشخص در هفته منحصر است و بیشتر ابزاری تشریفاتی هستند تا مکانی برای عبادت؛ در نتیجه نباید از معبد و کلیسا انتظار نقش هدایتگری داشت. در دین اسلام، مسجد مکانی مقدس است برای عبادت خداوند؛ اما فقط این کارکرد را ندارد.

شروع عمر مسجد را می‌توان همزمان با ظهور اسلام دانست؛ زیرا بعد از ظهور اسلام و هجرت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مدینه بود که ایشان اولین مسجد را بنام مسجد قبا افتتاح کردند. البته، باید گفت که مسجد قبا اولین مسجد در کره خاکی نبود؛ بلکه قبل از آن، دو مسجد دیگر نیز وجود داشت: یکی مسجد الحرام و خانه‌ی کعبه و دیگری مسجدالاقصری.

در این مقاله، دیدگاه آیه‌های قرآن و روایات را درباره‌ی مسجد بررسی می‌کنیم. البته، قبل از ورود به بحث، تعریف مختصری از مسجد بیان می‌کنیم.

مسجد در لغت

مسجد در لغت عبارت است از مکان سجده و عبادت که اسم مکان از ماده‌ی سجد، یسجد است؛ اما تعریف اصطلاحی و شرعی آن عبارت است از مکانی معین برای عبادت، رازونیز، دعا و نیایش. در بعضی از کتب لغت و فرهنگ‌ها چنین آمده است: «جای سجده، محل عبادت»^۱. فرهنگ مسجد نیز در باره‌ی معنای لغوی و اصطلاحی مسجد می‌گوید: مسجد در اصل اسم مکان از فعل سجد یسجد است... اما اگر مسجد به فتح جیم خوانده شود به معنای جایگاه عبادت در خانه‌ها و جایگاه نماز جماعت است... اما با این تلفظ تاکنون استعمال نشده است. در اصطلاح شرعی، مسجد به مکان معینی گفته می‌شود که برای نماز است.^۲

^۱ فرهنگ عمید، ص ۱۱۱۸.

^۲ فرهنگ مسجد، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

مسجد در قرآن کریم

واژه‌ی مسجد در قرآن کریم بیست و دو بار آمده است و واژه‌ی مساجد شش بار. در فرهنگ قرآن، لفظ «بیت» مترادف با مسجد دانسته شده است و به آن بیت الله نیز گفته می‌شود؛ شاید به دلیل اینکه در مسجد خداوند را عبادت می‌کنند. کلمه‌ی «بیت» به صورت معرفه، نکره و اضافه بیست و هشت بار در قرآن آمده است که در یازده مورد منظور مسجد الحرام و خانه‌ی کعبه است.

طوائف آیه‌ها

آیه‌هایی که در مورد مسجد و مساجد در قرآن آمده است سه طائفه‌ی عمده دارد:

- ۱- آیه‌هایی که در آن از مسجدی خاص نام برده شده است یا منظور مسجدی خاص بوده است؛
- ۲- آیه‌هایی که منظور فقط مسجد است؛
- ۳- آیه‌هایی که در آن‌ها لفظ مساجد آمده است.

طائفه‌ی اول

آیه‌های طائفه‌ی اول خود به چن دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- آیه‌هایی در مورد مسجد الحرام؛
- ۲- آیه‌هایی در مورد مسجد الاقصی؛
- ۳- آیه‌هایی در مورد مسجد ضرار؛
- ۴- آیه‌هایی در مورد مسجد قبا.

دسته‌ی اول

آیه‌هایی که در آن از مسجد الحرام نام برده شده است یا منظور آن مسجد الحرام بوده است در حدود بیست و پنج آیه است: ^۱ سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۶ و ۲۱۷، سوره‌ی مائده آیه‌ی ۲، سوره‌ی انفال آیه‌ی ۳۴، سوره‌ی توبه آیه‌ی ۷، ۱۹ و ۲۸، سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۱، سوره‌ی حج آیه‌ی ۲۵ و سوره‌ی فتح آیه‌ی ۲۵ و ۲۷.

آیه‌هایی که لفظ «بیت» در آن‌ها آمده است (البته به صورت مفرد، جمع یا اضافه) عبارتند از: سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۲۵، ۱۲۷ و ۱۵۸، سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۹۶ و ۹۷، سوره‌ی مائده آیه‌ی ۲ و ۹۷، سوره‌ی انفاق آیه‌ی ۳۵، سوره‌ی حج آیه‌ی ۲۶، سوره‌ی قریش آیه‌ی ۳ و سوره‌ی نوح آیه‌ی ۲۸. این آیه‌ها بیانگر سه نکته هستند:

نکته‌ی اول: یک سری از آیه‌ها در مورد احکام تکلیفی مسجد است؛ مثل احکام قبله و تغییر آن، حرمت قلل در مسجد الحرام و احکام دیگر، از جمله آیه‌ی ۱۴۴ سوره‌ی بقره:

^۱ المعجم المفهرس، ص ۴۳۸ و ۱۷۸.

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...»، ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم؛ پس [باش تا] تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن برگردانید....

این آیه جریان تغییر قبله را بیان می‌کند که خداوند به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) امر می‌کند رویش را از سمت مسجدالاقصی به سمت مسجدالحرام برگرداند. پس می‌توان گفت کارکرد بعضی از این آیات این است که احکام مربوط به مسجد را بیان می‌کنند.

نکته‌ی دوم: تعدادی از آیات در مورد جلوگیری کفار است از ورود مؤمنان به مکه و مسجد الحرام. این آیات عبارتند از: سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۱۷، سوره‌ی مائده آیه‌ی ۲، سوره‌ی انفال آیه‌ی ۳۴، سوره‌ی حج آیه‌ی ۲۵ و سوره‌ی فتح آیه‌ی ۲۵. در اینجا، برای نمونه آیه‌ی ۲۱۷ سوره‌ی بقره را می‌آوریم:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ...»، از تو درباره‌ی ماهی که کارزار در آن حرام است می‌پرسند؛ بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و بازداشتن از راه خدا و کفرورزیدن به او و بازداشتن از مسجدالحرام [=حج] و بیرون‌راندن اهل آن از آنجا....

این آیه بیان می‌کند که جرم قتل در ماه حرام بسیار سنگین است؛ اما جرم سد کردن راه خدا و جلوگیری از ورود مسلمانان به مسجد الحرام و اخراج اهل آن سنگین‌تر است. در نتیجه، این آیه علاوه بر بیان احکام، قداست و حرمت مسجد الحرام را نیز بیان می‌کند.

نکته‌ی سوم: یک‌سری آیات در مورد وقایع و حوادث خاص است. این آیات عبارتند از: سوره‌ی توبه آیه‌ی ۷ و ۱۹، سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۱ و سوره‌ی فتح آیه‌ی ۲۷. برای مثال، آیه‌ی ۷ سوره‌ی توبه بیان می‌کند:

«كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِي»، چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده‌ی او عهده‌ی تواند بود؛ مگر با کسانی که کنار مسجد الحرام پیمان بسته‌اید؛ پس تا با شما [بر سر عهده] پایدارند با آنان پایدار باشید؛ زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می‌دارد.

این آیه به عهده مؤمنان با مشرکان در مسجدالحرام اشاره دارد و سفارش می‌کند مادامی که آنها پاینده عهده هستند، شما نیز پاینده تعهدها باشید. آیه‌ی ۱۹ همین سوره نیز می‌فرماید:

«أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»، آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن

مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. در آیه‌ی اول سوره‌ی اسراء خداوند به جریان معراج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از مسجدالحرام به مسجدالاقصی اشاره می‌کند و در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی فتح نیز به روای صدق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره می‌کند که در مورد راهیابی مؤمنان به مسجدالحرام و پیروزی بر مشرکان بود.

دسته‌ی دوم

دو آیه‌ی ۱ و ۷ سوره‌ی اسراء در مورد مسجدالاقصی است. خداوند در آیه‌ی اول سوره‌ی اسراء می‌گوید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»، منزله است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست.

این آیه بیان می‌کند که معراج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از مسجدالحرام شروع شد و در مسجدالاقصی پایان یافت. در آیه‌ی ۷ همین سوره نیز به مسجدالاقصی اشاره شده است؛ البته بدون ذکر نام مسجد.

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتَبِيرًا»، اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود [بد نموده‌اید] و چون تهدید آخر فرا رسد [بیایند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] در آیند و بر هر چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند.

این دو آیه حادثه‌ای عظیم و مهم را در طول زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیان می‌کنند.

دسته‌ی سوم

در این دسته فقط یک آیه وجود دارد و آن هم آیه‌ی ۱۰۷ سوره‌ی توبه است که در باره‌ی مسجد ضرار است.

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَن حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، و آن‌هایی که مسجدی اختیار کردند که مایه‌ی زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند.

شان نزول این آیه مشهور و مشخص است: منافقان در مدینه مسجدی ساختن کردند و این آیه‌ها در صدد بیان دو هدف آن‌ها از آن کار بود: اول ضرر رساندن به مؤمنان و تفرقه انداختن بین آن‌ها و دوم درست کردن مقر جاسوسی برای نیروگیری و دسیسه علیه مسلمانان. بعد از نزول این آیه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور می‌شود آن مسجد را خراب کند؛ به دلیل اینکه هدف اصلی از ساخت این مسجد ضرر رساندن به مسلمانان بود. بعد از آن، این مسجد به مسجد ضرار معروف شد.

دسته‌ی چهارم

آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی توبه درباره‌ی مسجد قباست:

«لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»، هرگز در آنجا مایست؛ چرا که مسجدی که از روز نخستین برپایه‌ی تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می‌دارد. این آیه در ادامه‌ی آیه‌ای است که درباره‌ی مسجد ضرار نازل شده بود. در این آیه، منظور از مسجد، مسجد قبا است؛ اولین مسجدی که در اسلام در شهر مدینه بنا شد و اساس آن بر تقوا بود.

طائفه‌ی دوم

در قرآن، سه آیه وجود دارد که در آن‌ها منظور از مسجد مطلق مسجد است: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»، بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید.^۱

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، ای فرزندان آدم جامه‌ی خود را در هر نمازی بگیرید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.^۲

«وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنْتَ خَذَنَّا عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»، و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده‌ی خدا راست است و [در فرار سیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند؛ پس [عده‌ای] گفتند بر روی آن‌ها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به

^۱ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

^۲ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

[حال] آنان داناتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتم^۱ ابر ایشان
معبدی بنا خواهیم کرد.^۱

در مورد آئهی اول باید گفت که در معنای مسجد اختلاف فراوانی وجود دارد؛ برای مثل مرحوم
علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) می‌فرماید مسجد به معنای عبادت است و می‌گویند: «بر هر عابد واجب است
که در عبادت خود توجه را از غیر عبادت و در بندگی خدا توجه را از غیر خدا منقطع سازد».^۲ البته،
اغلب مسجد را به همان معنای اصطلاحی خود اخذ کرده‌اند، یعنی محل عبادت. بحث ما در این باره بر
مبنای قول غالب است، و معنای مراد علامه از محل بحث ما خارج است. آیه‌ی دوم زینت کردن موقع
رفتن به مسجد را بیان می‌کند که در واقع یکی از مستحبات رفتن به مسجد است. بنا بر این آیه، باید با
لباسی آراسته و خوشبو به مسجد رفت. البته، بعضی از مفسران^۳ می‌گویند منظور از زینت در این آیه
زینت معنوی است نه ظاهری. شأن نزول آئهی سوم نیز چنین است: عده‌ای بر سر اینکه جلوی در غار
اصحاب کهف چه چیزی درست کنند نزاع می‌کردند، عده‌ای می‌گفتند معبدی درست کنیم و عده‌ای
دیگر که موحد بودند می‌گفتند مسجدی بنا کنیم تا محل عبادت بندگان خدا شود.

طائفه‌ی سوم

در قرآن، شش آیه وجود دارد که در آن‌ها لفظ «مساجد» به‌کار رفته است: سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۱۴ و
۱۸۷، سوره‌ی توبه آیه‌ی ۱۷ و ۱۸، سوره‌ی حج آیه‌ی ۴۰ و سوره‌ی جن آیه‌ی ۱۸. در اینجا به یک آیه
برای نمونه اشاره می‌کنیم:

«.... وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»، و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] در نیامیزید این
است حدود احکام الهی پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید این گونه خداوند آیات
خود را برای مردم بیان می‌کند باشد که پروا پیشه کنند.^۴

بیشتر این آئها احکام فقهی مسجد را بیان می‌کنند؛ از جمله اعتکاف و تعمیر مسجد. یک آیه هم در
مورد جلوگیری از ورود کفار و مشرکین مکه به مسجد و ممانعت از تلاش آن‌ها است برای تخریب
مسجدها.

در مورد آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی جن اختلاف وجود دارد در اینکه منظور از مساجد چیست. بعضی مفسران
منظور از مساجد را مسجد الحرام می‌دانند، بعضی کعبه و بعضی هم هر دو.^۵ برخی دیگر نیز منظور از

^۱ سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۲۱

^۲ ترجمه‌ی المیزان، ج ۸، ص ۹۱.

^۳ ترجمه‌ی المیزان، ج ۸، ص ۹۱

^۴ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۷

^۵ ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۷۷.

مساجد را اعضای هفت گانه‌ی انسان می‌دانند که موقع سجده روی زمین قرار می‌گیرد. البته، باتوجه به لفظ مساجد که جمع استفاده شده است، به نظر می‌رسد منظور از مساجد همان اعضای هفت گانه‌ی باشد که موقع سجده روی زمین قرار می‌گیرد.

باتوجه به همه‌ی این ۲۸ آیه و آی‌هایی که در آن‌ها لفظ «بیت» به معنی مسجد است، سه نکته به دست می‌آید: نخست، آی‌های زیادی درباره‌ی بیان احکام مسجد است و درواقع کارکرد آن‌ها کارکرد تبیین است؛ البته آی‌ها احکام کلی را بیان کرده‌اند و جزئیات را باید از روایت‌ها پیدا کرد. سپس، آی‌هایی وجود دارند که خبر می‌دهند مشرکین و کفار مؤمنان را از مسجد الحرام و حرم الهی اخراج می‌کردند و مانع ورود آن‌ها به این حرم می‌شدند و از جزای کفار و مشرکین نیز می‌گویند. در آخر، آی‌هایی هستند که از جریان‌ها و وقایع خاص خبر می‌دهند؛ مثل واقعه‌ی معراج، مسجد قبا و مسجد ضرار.

مسجد در روایت‌ها

در مقایسه با قرآن، تعداد روایت‌ها و حدیث‌ها درباره‌ی مسجد فراوان است و به مسائل جزئی نیز پرداخته شده است. از آنجا که تعداد این حدیث‌ها و روایت‌ها فراوان است، در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده نمی‌کنیم و برای بقیه آدرس منبع‌هایشان را بیان می‌کنیم. روایت‌های زیادی درباره‌ی احکام و آداب مسجد وجود دارد؛ از قبیل واجبات محرمات، مکروهات و مستحبات و روایت‌هایی نیز درباره‌ی احکام مسجد‌های خاصی بیان شده است؛ از جمله مسجد الحرام، مسجد النبی (صلی الله علیه و آله)، مسجد کوفه و...

نام برخی از کتاب‌های روایی خاصه که درباره‌ی مسجد روایت‌هایی دارند بدین شرح است:

۱. من لایحضر الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۸، باب ۳۷؛
 ۲. وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلوه، ابواب احکام المساجد؛
 ۳. تهذیب الاخبار، ج ۴، ص ۲۸۷؛
 ۴. همان، ج ۳، باب ۲۵، ص ۲۴۸؛
 ۵. جامع احادیث الشیعه، ج ۴، کتاب الصلاه، ابواب المساجد، ص ۴۲۸ - ۵۶۴؛
 ۶. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۹۰ - ۴۰۰؛
 ۷. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۳۹ - ۳۸۸، باب ۸، کتاب الصلاه، باب فضل المساجد و احکامها و آدابها و همچنین ج ۸۱، بحار، ادامه‌ی همین باب، تا ص ۱۸.
- و اما نام برخی کتب‌های روایی عامه:
۸. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۴۸ - ۶۷۸؛
 ۹. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۲، باب فی بناء المساجد؛
 ۱۰. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷، کتاب المساجد و مواضع الصلاه؛
 ۱۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۳ - ۲۶۳.

در پایان، چند روایت را برای نمونه بیان می‌کنیم:

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید:

« مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سِرَاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنَ السِّرَاجِ »^۱

این حدیث بیانگر حکمی از احکام خمسه است، یعنی استعجاب روشن کردن چراغی در مسجد.
«وَرَوَى جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فِي كُتُبِ الْإِسْتِدْلَالِ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ : جَبُّوا مَسَاجِدَكُمْ النَّجَاسَةَ»^۲

این حدیث نیز بیانگر حکم نجس نکردن مسجد است. البته، حرمت به لفظ تحریم نیست اما در حدیث فعل نهی آمده است که ظهور در حرمت دارد.

«أَبَى رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ... قَالَ وَرَفَعُ الصَّوْتِ فِي الْمَسَاجِدِ يُكْرَهُ»^۳

این حدیث حکم کراهت بلند کردن صدا در مسجد را بیان می‌کند. مسجد محل عبادت و رازونیا است و حرمت و احترام خاصی دارد؛ بنابراین بلند کردن صدا در آن روا نیست.
همچنین، روایات دیگری در احکام مختلف وارد شده است. نکته‌ای که در مورد این روایات وجود دارد این است که بعضی از آن‌ها از نظر سندی مشکل دارند، اما ضعف سند آن‌ها مشکل ایجاد نمی‌کند؛ زیرا اولاً تعداد این روایات زیاد است و چه بسا بعضی‌شان به حدّ تواتر برسند. ثانیاً در مورد مستحبات، به دلیل جریان قاعده‌ی تسامح، مشکل ضعف سندی خیلی از روایات حل خواهد شد.
از آنچه تا کنون گفتیم نتیجه می‌گیریم که بیشتر آی‌ها و روایت‌های درباره‌ی مسجد، در مقام بیان احکام تکلیفی مسجد است و کارکرد تبییری دارند. بعضی از آی‌ها و روایت‌ها نیز در مورد مساجد خاص و بیان احکام آن‌ها است. بعضی دیگر نیز کارکرد گزارشی و اخباری دارند.

^۱ وسائل الشیعه، کتاب الصلاه، ابواب احکام المساجد، باب ۳۴، ح ۱.

^۲ همان، باب ۲۴، ح ۲.

^۳ همان، باب ۲۷، ح ۵.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. فرهنگ مسجد، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵.
۳. فرهنگ عمید، حسن عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹.
۴. المعجم المفه‌رس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد عبد الباقي، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
۵. ترجمه‌ی تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ترجمه‌ی موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۶. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه محمد بن الحسن الحر العاملی، با تحقیق عبد الرحی م ربانی شیرازی، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد